

اگر فقط قرار باشد فهرست مصادیق ابزارهای سلطه‌طلبی امریکا نام برده شوند، می‌توان به مواردی از جمله تهاجم نظامی، نفوذ اطلاعاتی و امنیتی، کودتا و انقلاب مخملی، تحریم اقتصادی، عملیات روانی و تصویرسازی رسانه‌ای، تحریم اقتصادی، تحریم سیاسی و بین‌المللی و... اشاره کرد. تاریخ نشان داده که ایالات متحده هر یک از این ابزارها را به اقتضای شرایط خاصی برای کشورهای هدف به کار گرفته، اما برای موردی مانند جمهوری اسلامی ملاحظه می‌شود که از تمام این ابزارها به نحو مستقیم یا با واسطه استفاده کرده است. اما سفر رئیس‌جمهور روسیه به ایران و ابعاد و دستاوردهای آن یکی از رخدادهایی بود که اعتراف تحلیلگران غربی را هم نسبت به بی‌اثر شدن این ابزارها در مقابله با تهران و هم نسبت به جایگاه جمهوری اسلامی

رویکرد توازن‌گرای دولت سیزدهم و نقش آن در خنثی‌سازی ابزارهای راهبردی امریکا

واشنگتن باید در سیاست خود نسبت به ایران تجدیدنظر کند

■ امیر فرش‌باف
روزنامه‌نگار

تحلیل‌ها پیرامون سفر رؤسای جمهور روسیه و ترکیه به ایران با هدف تعامل برای حل مناقشه سوریه و سفر تقریباً همزمان بایدن به غرب آسیا، هنوز ادامه دارد و آنچه جالب توجه است اذعان تحلیلگران غربی به دو مسأله است؛ نخست، شکست رویکرد سلطه‌طلبانه و یکجانبه گرایانه ایالات متحده در منطقه و جهان و دوم، نقش ایران به عنوان الگو و پیش‌ران بی‌اثر کردن ابزارهای راهبردی امریکا که در این نوشتار، هر دو وجه این موضوع مورد بازخوانی و تحلیل قرار می‌گیرند. برای درک این دو وجه، بایسته است که ابتدا ابزارهای تهاجمی ایالات متحده برای تضعیف و به انزوا کشاندن کشورهای رقیب و دشمن و سپس میزان کارایی این ابزارها را از طریق بازخوانی رخدادها و تحولات سیاسی، اقتصادی و امنیتی معاصر مورد ارزیابی قرار داد.

همکاری دیپلماتیک با ایران پی برده است... عربستان سعودی نیز وارد این مسیر همکاری دیپلماتیک با ایران شده و این چرخش دیدگاه در میان شرکای ایالات متحده باید فضای کافی را برای تصمیم‌گیران در واشنگتن ایجاد کند تا در نظرات خود درخصوص ایران و بخصوص این فرضیه که تقابل و بحران در غرب آسیا اجتناب‌ناپذیر است، تجدیدنظر کنند. این گزارش به سناریوی از پیش شکست خورده ائتلاف‌سازی علیه ایران (مانند طرح ناتوی عربی و مانند آن) نیز می‌پردازد و می‌نویسد: «مقامات امریکایی اخیراً در جلسات خصوصی با هم‌تایان شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای اروپایی پیشنهاد کرده‌اند که در صورت عدم احیای برجام، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از جمله عمان، قطر و امارات باید به کمپین علیه ایران بپیوندند، این در حالی است که هیچ‌یک از این کشورها به دنبال تنش با ایران نیستند.» روسیه نمونه دیگری است که هم در دوره حاکمیت حزب کمونیست و هم در دوره پسافروپاشی طعم تحریم و تهدید امریکا و متحدانش را چشیده است. روسیه در دورانی که اتحاد جماهیر شوروی بود، یکبار قافیه را به تحریم‌ها و تهدیدات امنیتی و اقتصادی ایالات متحده باخته بود، اما در دوران کنونی و تغییر رویکرد رهبران مسکو، ملاحظه می‌شود که نه تنها ابزارهای تخصصی امریکا کم اثر شده‌اند بلکه این ابزارها حتی اثر معکوس گذاشته و امنیت ملی امریکا را از درون با تهدید مواجه کرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به تحریم نفت و گاز روسیه توسط ایالات متحده و همپیمانان اروپایی‌اش بعد از جنگ اوکراین اشاره کرد که تمام کشورهای غربی تحریم‌کننده را با بحران انرژی بی‌سابقه‌ای مواجه کرده است، به طوری که ناظران، علت اصلی سفر بایدن به غرب آسیا را اولاً جبران کاستی‌های مربوط به حوزه انرژی و ثانیاً تلاش برای بازیابی و بازطراحی امنیت مطلوب امریکا در منطقه عنوان کردند، سفری که اهدافش به هیچ وجه محقق نشدند.

در خنثی‌سازی اثر این ابزارها به دنبال داشت. در ابتدا به بخشی از تولیدات رسانه‌های غربی در این خصوص اشاره و در ادامه به تحلیل آن پرداخته خواهد شد. به عنوان نمونه اندیشکده امریکایی «Responsible State craft» در تحلیلی نوشت که «چه توافق هسته‌ای محقق شود و چه محقق نشود، واشنگتن باید در سیاست خود نسبت به ایران تجدیدنظر کند.» این اندیشکده با اشاره به اینکه دولت بایدن نیز همچون دولت‌های قبلی- که از دهه ۱۹۸۰ تاکنون، انزوای ایران را به عنوان راهبرد اصلی خود عملیاتی کرده‌اند- در پی انزوای ایران است. «Responsible State craft» همچنین با بازخوانی بی نتیجه بودن راهبرد فشار علیه ایران نوشت: «سرعت فزاینده دیدارهای متقابل بین مقامات امارات و ایران و بازگشت احتمالی سفرای دو کشور نشان می‌دهد که ابوظبی به اهمیت

